

تو میتوانی با صلیب سرخ جوانان آزمایش

بایسکل رانی کنی- ویا کورس کمکهای اولیه

را بگیری



؟ تو چه میکنی وقتی که سرویس در ایستگاه ایستاد باشد.

☐ من به اشخاص پیاده توجه میکنم که آنها دفعتهاً پیشرویا

پشت سر سرویس میگذرند.

☐ من به سرعت از کنار سرویس میگذرم .

☐ من سرعت میگیرم.

؟ تو میخواهی از چارراهی بگذری به کنارت یک کامیون یا موتر کلان

توقف کرد ه و میخواهد به سمت راست دور بخورد توجه میکنی؟

☐ من میخواهم پیشروی کامیون بروم تا راننده مرا ببیند.

☐ من طولانی هارن میکنم تا راننده متوجه من شود.

☐ من پشت سر کامیون منتظر میمانم تا دور بخورد بعداً بایسکلم را میرانم.

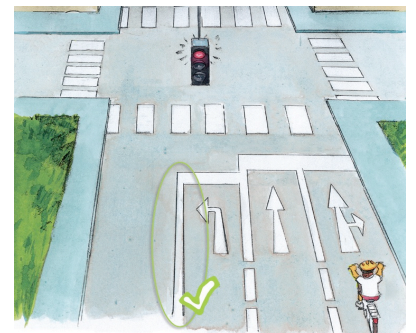
رفت و آمد با بایسکل در جاده

معلومات خود را برای امتحان داوطلبانه بایسکل رانی آزمایش کن! ا

برای آمادگی بایسکل رانی طور داوطلبانه اطفال از 9 سالگی میآموزند که چگونه مطمئن در جاده حرکت کنند و کدام حقوق و مسولیت ها را دارند.

کسیکه امتحان بایسکل را نی راسپری کرده باشد آیا از 10 سالگی

به تنهایی میتواند بایسکل رانی کند ؟ این جا دانستیهای خود را آزمایش کن!



؟ علایم روی جاده چه میگوید ؟

☐ خط ممنوعه سرک را جدا میکند . اجازه دارم در صورت

ضرورت بایسکل برانم.

☐ من اجازه ندارم از خط ممنوعه بگذرم.

☐ خط ممنوعه برای بایسکل نیست.

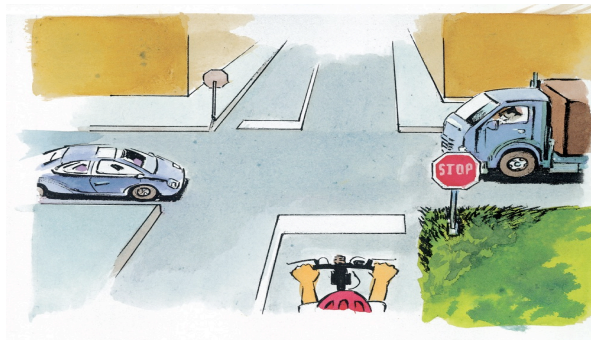


؟ کنج نامعلوم چه مفهوم دارد ؟

کنج نا معلوم ساحه است در عقب پهلوی و روبرو که راننده دیده نمیتواند

○ کنج نا معلوم نشان میدهد که گویا آئینه طرف راست موتور باربری خراب است

○ اگر من راننده موتور را در سیت موتور نمی بینم آیا این کنج نا معلوم است



؟ تو میخواهی طرف راست دور بخوری یک موتور از طرف چپ و یک موتور باربری از راست میآید.

باید صبر کنی یا بروی؟

○ من باید منتظر بمانم و به موتور ها اجازه رفتن بدهم.

○ من اجازه دارم بروم زیرا بطرف راست دور میخورم.

○ من میگذارم اول موتور طرف چپ برود بعداً من میروم.

؟ برای بایسکل رانی مطمئن در جاده کدام 8 چیز را یک بایسکل ضرورت دارد

آنها نشانی کنید!

○ دو دانه برک

○ زنگ یا هارن

○ آله سرعت سنج

○ انعکاس دهنده روشنی در پیش رو

○ انعکاس دهنده سرخ روشنی در عقب

○ انعکاس دهنده زرد در پایدل

○ جای برای محکم کردن تلفون

○ بکسک وسایل

○ انعکاس دهنده روشنی در چرخ یا عرابه

○ چراغ پیشرو

○ چراغ سرخ عقبی

○ بوتل آب

؟ کدام یک از این علائم رانندگی معنی «حق اولیت» را دارد



جواب در صفحه 36

تست های دیگر را اینجا دریافت می توانی

www.radfahrprüfung.at

معلومات بیشتر در باره بایسکل رانی

www.jugendrotkreuz.at/rad

به زبانهای انگلیسی، عربی و دری در صفحه انترنیتی ذیل بخوانید

www.schule-mehrsprachig.at

ویدیو در صفحه

www.icrc.org/en/dokument/indians-heart-love-and-care



سایره صدیقی و برادران

صلیب سرخ یک صحبت تلفونی را سازمان دهی کرد، به اینترتیب توانستند چهار برادر در سکایپ ببینند.

و با هم ببینند. این اولین دیدن آنها بود بعد از سالهای زیاد. اکنون امیدوارند که مادر، پدر و خواهرانش را بیابند. صلیب سرخ در زمینه آنها را کمک میکند-واطفالی را که فامیل هایشانرا جستجو میکنند



زنگ تلفون از اتریش

سه پسر افغان در جستجوی والدین، خواهران و برادران شان هستند.

صلیب سرخ آنها را کمک میکند

این سه پسر از افغانستان و باهم برادر هستند در افغانستان جنگ است. آنها بخاطر امنیت به مملکت همسایه هندوستان فرار کردند.

آنجا در سرک زندگی داشتند، تا اینکه مورد توجه سایره صدیقی قرار گرفت بچه ها را با خود به خانه برد و برایشان غذا داد. برادران به اوقصه کردند که آنها از پدر و مادر، خواهران و برادران شان جدا شدند.

سایره صدیقی به صلیب سرخ در دهلی جدید رفت.

صلیب سرخ یک وب سایت دارد، که آدم میتواند خویشاوندان خود را بیالند:

www.tracetheface.org

سایره و بچه ها چهره های زیادی را درین سایت دیدن- و برادر کلان شان را از سایت یافتند و شدند چهار برادر و فهمیدند که برادر کلان در اتریش است و او هم برادرانش را جستجو میکرد.



محمد و پدرش

محمد و کاکایش هم دیگر را گم کردند.... آقای حسین هنوز صدای کا کا را بخاطر دارد. « من محمد را گم کردم! »

پدر گفت, من عاجل باید کاری کنم ! او به صلیب سرخ رفت و قصه کرد که چه رخ داده بود.

جستجو کرد در یافت

در هر کشوری از جهان اشخاصی در صلیب سرخ کار میکنند که گمشده ها را جستجو میکنند. آنها اشخاص مسلکی هستند.

محمد را در یک شعبهٔ پولیس در جزیره نزدیک یونان یافتند . آنها نمبر تلفون رابه حسین دادند .

حسین قصه میکند که «وقتی از تلفون صدای محمد را شنیدم نتوانستم جلو اشک هایم را بگیرم.»

یک دو هفته بعد باقی اعضای فامیل شان هم به اروپا آمدند. بالاخره محمد با والدین , خواهران و برادران یکجا شد.



دو باره با هم

در راه فرار پدر, مادر خواهران و برادران گم شدند . صلیب سرخ آنها را دو باره یکجا نمود .

بعد از پرتاب اولین بم در سوریه , آقای حسین تصمیم گرفت که من باید فامیل را در جای امن ببرم . بطرف اروپا. که آنجا امنیت است. دز ابتدا پسر چهار ساله آقای حسین محمد فرار کرد که کاکایش او را میکرد.

هر دوی شان همراهی تعداد زیاد مهاجرین در کشتی کاملاً پر نشستن , در نیمه راه پولیس آنها را متوقف ساخت

پولیس اول اطفال و زنان را نجات داد . مردان منتظر بودند تا پولیس ها دو باره بر گردند. کشتی در حال غرق شدن بود !

بالاخره یک کشتی پولیس آمد و مردها را به جای امن برد.